

بسم الله الرحمن الرحيم



اقامه نماز

از تجلی حاکمیت دینی تا افق تمدن اسلامی

تحلیل مضامین راهبردی پیام حضرت آیت الله سیدمجتبی خامنه‌ای دام‌الله

به سی‌وسومین اجلاس سراسری نماز

پژوهشکده مطالعات راهبردی حوزه و روحانیت

گروه علمی حوزه و روحانیت

مهرماه ۱۴۰۵

خلاصه مدیریتی

حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای دام‌الله، در پیامی به مناسبت سی و سومین اجلاس سراسری نماز که در تاریخ ۹ مهر ۱۴۰۵ صادر کردند، ضمن تبیین جایگاه بنیادین نماز در حیات معنوی انسان، بر ضرورت اقامه آن در گستره جامعه و نقش این فریضه در تحقق و تکامل جامعه اسلامی تأکید فرموده‌اند. پیام، با یادآوری پیشینه اجلاس نماز و اهتمام مستمر امام شهید به این امر، از تبیین فضیلت و آثار فردی نماز فراتر رفته و آن را در پیوند با مسئولیت عمومی ملت، وظایف نهادهای فرهنگی و دینی و افق تحقق تمدن اسلامی صورت‌بندی می‌کند.

نکته محوری پیام، توجه به این حقیقت است که ظهور و تجلی شعائر دینی در عرصه عمومی، از جلوه‌های تحقق حاکمیت دینی است. حاکمیت اسلام صرفاً به استقرار ساختارهای سیاسی مبتنی بر دین محدود نمی‌شود؛ بلکه هنگامی ارزش‌ها و شعائر دینی در متن زندگی جمعی حضور مؤثر یافته و در مناسبات اجتماعی، رفتار عمومی و نهادهای جامعه تجلی پیدا می‌کنند، حیات دینی جامعه نیز صورتی عینی و اجتماعی می‌یابد. در میان شعائر اسلامی، نماز به اعتبار جایگاه ممتاز آن به عنوان ستون دین، اهمیتی ویژه دارد؛ چراکه از یک‌سو، پیوند مستقیم انسان با خداوند و سرچشمه فلاح، آرامش و توان معنوی اوست و از سوی دیگر، اقامه آن در پهنه جامعه، نشانه‌ای از همبستگی و اخوت، حماسه حضور، تجلی بندگی در برابر پروردگار و استقرار ارزش‌های اسلامی در حیات عمومی است. از این منظر، نماز هم رکن بندگی فردی است و هم در صورت اقامه اجتماعی، جلوه‌ای از حاکمیت ارزش‌های دینی به‌شمار می‌رود. نکته قابل توجه اینکه اقامه، مفهومی فراتر دارد با یک بیان بر برپاداشتن، استقرار و حفظ جایگاه نماز در سطح جامعه دلالت می‌کند. هنگامی که از اقامه نماز سخن گفته می‌شود، مسئله تنها آن نیست که افراد نماز خود را به‌جا آورند، بلکه این نیز اهمیت دارد که نماز در زندگی اجتماعی تجلی یافته، امکان حضور و گسترش آن فراهم شود و جایگاه شایسته خود را در حیات عمومی و نهادهای اجتماعی پیدا کند. بنابراین، اقامه نماز را باید حرکتی از التزام فردی به سوی تحقق اجتماعی یک فریضه دانست؛ حرکتی که در آن، مسئولیت فردی با مسئولیت جمعی و نهادی پیوند می‌خورد. بر این اساس، فراگیری نماز، نهادینه‌شدن آن و تلاش برای نیکو به‌جا‌آوردنش، ابعاد مکمل اقامه‌اند و نمی‌توان تحقق آن را صرفاً به انجام فریضه فردی یا برگزاری مناسک در مناسبت‌های خاص فروکاست.

پیام، این تلقی را با قرار دادن اقامه نماز در چارچوب مسئولیت عمومی ملت ایران و نقش‌آفرینی نهادهای اثرگذار بسط می‌دهد. خانواده‌ها، معلمان، استادان، نخبگان، فعالان فرهنگی و اجتماعی و نهادهایی همچون مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و رسانه‌ها، هر یک در فراهم‌کردن زمینه گسترش و نهادینه‌شدن نماز مسئولیتی دارند. در این میان، آبادانی مساجد، گسترش و ارتقای کیفیت نمازهای جماعت و جمعه و نقش ائمه

جماعت و جمعه در ایجاد رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد و پذیرش با مردم، نشان می‌دهد که اقامه نماز به مجموعه‌ای از زمینه‌سازی‌های فرهنگی، اجتماعی و نهادی نیازمند است. در نتیجه، تحقق این فریضه در مقیاس جامعه، تنها با دعوت زبانی حاصل نمی‌شود؛ بلکه مستلزم مشارکت عمومی، مسئولیت‌پذیری نهادها و فراهم‌شدن شرایطی است که نماز در زندگی جمعی حضور پایدار و مؤثر داشته باشد.

در سطحی کلان‌تر، پیام اقامه نماز را از الزامات مسیر تکامل جامعه اسلامی می‌داند و آن را با گذار از مرحله انقلاب اسلامی به جامعه اسلامی و سپس فراهم‌شدن زمینه نیل به تمدن اسلامی پیوند می‌زند. این صورت‌بندی حاکی از آن است که استقرار حاکمیت اسلامی، به‌تنهایی به معنای تحقق کامل حیات اجتماعی اسلام نیست؛ بلکه ارزش‌های دینی باید در متن جامعه نهادینه شوند و در عرصه عمومی تجلی یابند. اقامه نماز در این مسیر، هم نشانه‌ای از تحقق اجتماعی دین و هم ضرورتی برای حرکت تکاملی جامعه اسلامی است. از این‌رو، افق تمدنی پیام از پیوند میان ایمان فردی، مسئولیت جمعی و استقرار اجتماعی شعائر و ارزش‌های اسلامی شکل می‌گیرد؛ با این ملاحظه که اقامه نماز یکی از الزامات این مسیر است.

در مجموع، دلالت راهبردی پیام آن است که باید با عزمی همگانی، اقامه نماز از سطح مناسک فردی به سطح برپایی و نهادینه‌سازی آن در حیات عمومی جامعه ارتقا یابد. این امر، هم مسئولیتی دینی برای آحاد ملت است و هم وظیفه‌ای اجتماعی و نهادی برای همه کسانی که در شکل‌گیری فرهنگ عمومی و جهت‌دهی به حیات جامعه نقش دارند؛ با این وصف طبعاً نقش حوزه علمیه نیز به عنوان نهادی که متکفل راهبری دینی جامعه است، برجسته‌تر خواهد بود. با این همه، اقامه نماز حلقه اتصال میان بندگی فردی، تجلی اجتماعی شعائر دینی و تکامل حیات اسلامی جامعه است؛ مسیری که استمرار و تحقق شایسته آن، در نهایت زمینه حرکت جامعه اسلامی به سوی افق تمدنی خود را تقویت می‌کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توجه به امر والای «اقامه‌ی نماز» و به‌صورت خاص برگزاری اجلاس نماز، از جمله اقدامات ضروری و بایسته‌ای است که از ابتدای دهه‌ی هفتاد در کشور به همت عالم مجاهد و مردمی، استاد قرآن و مبلغ زبردست حجة الاسلام والمسلمین قرائتی دامت برکاته شکل گرفته است.

اهتمام ویژه‌ی رهبر عظیم‌القدر شهید اعلی الله مقامه الشریف به این امر و توصیه‌های مهم، مستمر و مؤکد ایشان در پیام‌های مربوط به سی و دو اجلاس گذشته نیز بر اهمیت این خط‌مشی می‌افزاید.

بی‌شک سخن گفتن یا نوشتن پیرامون نماز، در شأن و تراز وحی الهی و کلمات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه‌ی معصومین علیهم الصلوة و السلام است و قلم امثال این‌جانب، کوچک‌تر از آن است که در باب عمق معارف نماز مطلبی بنگارد. اما هویت و اقتضائات جامعه‌ی اسلامی و وظایف خادمان آن خصوصاً رهبری انقلاب اسلامی چنان ایجاب می‌کند که چند جمله‌ای از این جهت برای خودم و آحاد مردم و مسئولان متذکر شوم.

نماز از جمله زیباترین نعمت‌های بزرگ حضرت حق جل و علا، برترین نهاد و نماد و ستون دین، رشته‌ی اتصال هر یک از ما برای ارتباط نزدیک و مستقیم با منبع لایتناهی و لایزال الهی است. این اکسیر فلاح و رستگاری و رکن حیات طیبه، هم‌پشتوانه‌ی مستحکم و مستمر و ذخیره‌ی تمام‌نشدنی انسان در مبارزه با شیطان نفس و شیطان‌های دنیوی است و هم چشمه‌ی جوشان عشق و امید و مهربانی و آرامش است و نزول برکات و فراوانی ارزاق الهی از ناحیه‌ی اقامه‌ی نماز و استغفار صورت گرفته و افزایش می‌یابد.

اما فربضه‌ی نماز، تنها یک تکلیف فردی نیست و بنا بر آموزه‌ی قرآن، برپاداشتن نماز، اولین ثمره و نشانه‌ی حکومت صالحان است که «الَّذِينَ أَنْ مَكَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ». بیان این آیه دقیقاً پس از آیه‌ی وعده‌ی نصرت الهی در مورد باران خداوند متعال و جهاد آن‌ها در سوره‌ی مبارکه‌ی حج نشان می‌دهد، اقامه‌ی نماز به‌عنوان تکیه‌گاه مستحکم ذکر خدا و امید و اعتماد به او، نقش ویژه‌ای در جهاد و فتح و ظفر در میدان‌های مبارزه خصوصاً میدان مبارزه‌ای که امروز پیش روی ملت ایران است، دارد.

امروز که شرط مکنّت و قدرت مردم عزیز ایران بیش از پیش فراهم شده است، یکایک ملت مبعوث، مخاطب این دستور مکرر الهی برای اقامه‌ی نماز هستند که «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ». علاوه بر این، همه‌ی اشخاص مؤثر در جامعه از پدران و مادران و خانواده‌ها تا معلمان و دوستان، از اساتید و نخبگان تا چهره‌های شناخته شده و افراد مشهور و نیز تمامی نهادها و دستگاه‌های فرهنگ‌ساز از جمله مساجد، نمازهای جمعه، مدارس، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، صداوسیما، فعالان فرهنگی و اجتماعی و بسیج مردمی خصوصاً آن‌هایی که با قشر نوجوان و جوان در ارتباط هستند، مسئولیت مضاعف در این امر دارند.

اقامه‌ی نماز در همه‌ی مراحل تکمیلی و سطوح تکاملی‌اش در پهنه‌ی جامعه و کشوری که پرچم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم را برافراشته و به حاکمیت اسلام مفتخر شده، در زمره‌ی اهمّ امور است و برای فراهم شدن زمینه‌ی طیّ طریق از مرحله‌ی نهضت و انقلاب اسلامی تا مرحله‌ی جامعه‌ی اسلامی، امری ضروری است و بعد از آن است که نیل به مرحله‌ی تمدن اسلامی میسر خواهد شد.

نهادینه شدن و فراگیر و همگانی شدن نماز و آنگاه تلاش عمومی برای نیکو به‌جای آوردن آن، دو ضلع اصلی خطّ تلاش برای وصول به این مهم است و آبادانی مساجد و سایر تمهیدات برای گسترش کمیت و ارتقاء کیفیت صوری نمازهای جماعت و جمعه، مقدمات لازم برای دست یافتن به این مقصد مهم می‌باشند. در همه‌ی این موارد، نقش ائمه‌ی جماعات و جمعه که باید مأمن مردم و گوش شنوا و پذیرای درد دل‌های ایشان باشند، بسیار برجسته است.

امیدوارم که با تفضّلات الهی و توجه و دعای خاصّ سرورمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ملت و کشور عزیزمان در امر اقامه‌ی نماز و بهره‌مندی از فیوضات و برکات آن موفق و مؤید باشند.

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای

جدول شبکه مضامین

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
نماز، از زیباترین نعمت‌های الهی و رشته اتصال مستقیم انسان به خداوند	جایگاه بنیادین نماز، از ارتباط فردی با خداوند تا پشتوانه معنوی و نماد حاکمیت الهی	اقامه نماز؛ از پیوند فردی با خداوند تا تحقق حیات اجتماعی اسلام و تمدن اسلامی
نماز، پشتوانه‌ای مستحکم در برابر وسوسه‌های درونی و بیرونی و سرچشمه فلاح		
اقامه نماز و استغفار، زمینه‌ساز نزول برکات و افزایش روزی الهی		
اقامه نماز، نخستین ثمره و نشانه حکومت صالحان		
اقامه نماز، پشتوانه ذکر خدا، امید و اعتماد به او در جهاد و پیروزی در میدان مبارزه		
فراتر رفتن اقامه نماز از تکلیف فردی و تبدیل آن به مسئولیتی اجتماعی	اقامه نماز، مسئولیتی همگانی و ضرورتی در مسیر تکامل جامعه اسلامی و تحقق تمدن اسلامی	
فراهم‌شدن بیش از پیش شرط مکنّت و قدرت ملت ایران و خطاب مستقیم فرمان الهی به آحاد ملت		
ضرورت اقامه نماز در مسیر گذار از نهضت و انقلاب اسلامی به جامعه اسلامی و تمدن اسلامی		
مسئولیت مضاعف اشخاص مؤثر در جامعه و نهادهای فرهنگ‌ساز در اقامه نماز	ترویج و نهادینه‌سازی اقامه نماز، مسئولیت نهادهای فرهنگی و اجتماعی	
نهادینه‌سازی و فراگیرشدن نماز و تلاش عمومی برای نیکو به‌جای‌آوردن آن		
آبادانی مساجد و ارتقای کمی و کیفی نمازهای جماعت و جمعه به‌عنوان مقدمات تحقق اقامه نماز		
نقش برجسته ائمه جماعت و جمعه به‌عنوان مأمن مردم و شنوندگان پذیرای درد دل‌های ایشان		
برگزاری اجلاس نماز، اقدامی ضروری و بایسته در امتداد تلاش‌های شکل‌گرفته از ابتدای دهه هفتاد	تکریم و استمرار تلاش خادمان اقامه نماز، پاسداشت یک خط‌مشی دینی و اجتماعی	
اهتمام ویژه رهبر شهید و تأکیدهای مستمر ایشان بر اهمیت خط‌مشی اقامه نماز		

مضامین سازمان‌دهنده

در این بخش از پژوهش به مضامین سازمان‌دهنده متن و مضامین پایه ذیل هر عنوان پرداخته شده تا منطق درونی شکل‌گیری این مضامین، به صورت مستند و قابل پیگیری از متن اصلی، روشن گردد. بعلاوه در این بخش از گزارش تلاش شده تا علاوه بر استخراج مضامین محوری، به صورت کوتاه نسبت آن با دستگاه معنایی کلی پیام نیز تبیین شود تا تحلیل از سطح توصیفی صرف فراتر رفته و به فهمی منظومه‌ای و راهبردی نزدیک گردد.

مضمون سازمان‌دهنده اول

«جایگاه بنیادین نماز، از ارتباط فردی با خداوند تا پشتوانه معنوی و نماد حاکمیت الهی»

در این پیام، نماز از دو سطح به هم پیوسته تبیین می‌شود؛ نخست، جایگاه آن در حیات معنوی فرد و نقش آن در پیوند مستقیم انسان با خداوند، دستیابی به فلاح و آرامش و تقویت توان مقابله با موانع درونی و بیرونی؛ دوم، جایگاه اجتماعی و سیاسی اقامه نماز به عنوان نشانه حکومت صالحان و یکی از پشتوانه‌های معنوی برای جهاد و دریافت نصرت الهی. بدین ترتیب، نماز در منطق پیام، از عبادتی فردی فراتر می‌رود و به اصلی بنیادین در حیات طیبیه و تحقق حاکمیت الهی تبدیل می‌شود.

مضامین پایه مرتبط

مضمون پایه اول

«نماز، از زیباترین نعمت‌های الهی و رشته اتصال مستقیم انسان به خداوند»

مستند متنی:

❖ «نماز از جمله زیباترین نعمت‌های بزرگ حضرت حق جلّ و علا، برترین نهاد و نماد و ستون دین، رشته‌ی اتصال هر یک از ما برای ارتباط نزدیک و مستقیم با منبع لایتناهی و لایزال الهی است.»

در این فراز، نماز به مثابه نعمتی الهی و بنیادی‌ترین پیوند انسان با سرچشمه نامتناهی هستی معرفی می‌شود. تعبیر «ستون دین» و «رشته‌ی اتصال» بر جایگاه محوری نماز در حیات دینی و امکان ارتباط مستقیم انسان با خداوند دلالت دارند. بر این اساس، نماز صرفاً عملی عبادی در کنار دیگر اعمال دینی نیست، بلکه یکی از ارکان اصلی استقرار و استمرار رابطه انسان با خداوند به شمار می‌رود.

مضمون پایه دوم

«نماز، پشتوانه‌ای مستحکم در برابر وسوسه‌های درونی و بیرونی و سرچشمه فلاح»

مستند متنی:

❖ «این اکسیر فلاح و رستگاری و رکن حیات طّیبه، هم پشتوانه‌ی مستحکم و مستمر و ذخیره‌ی تمام‌نشدنی انسان در مبارزه با شیطان نفس و شیطان‌های دنیوی است و هم چشمه‌ی جوشان عشق و امید و مهربانی و آرامش است»

در این فراز، کارکردهای نماز در حیات فردی انسان در دو بُعد مکمل ترسیم می‌شود؛ از یک‌سو، نماز پشتوانه‌ای پایدار برای مقابله با وسوسه‌های نفسانی و موانع بیرونی است و از سوی دیگر، سرچشمه فضایل و حالات سازنده‌ای چون عشق، امید، مهربانی و آرامش به‌شمار می‌رود. بنابراین، نماز هم نیروی مقاومت معنوی انسان را تقویت می‌کند و هم زمینه‌ساز حیات طّیبه و تعالی درونی اوست.

مضمون پایه سوم

«اقامه نماز و استغفار، زمینه‌ساز نزول برکات و افزایش روزی الهی»

مستند متنی:

❖ «و نزول برکات و فراوانی ارزاق الهی از ناحیه‌ی اقامه‌ی نماز و استغفار صورت گرفته و افزایش می‌یابد.»

این عبارت، اقامه نماز و استغفار را با نزول برکات و افزایش روزی الهی پیوند می‌دهد. در چارچوب پیام، نماز افزون بر آثار معنوی و تربیتی خود، در گشایش و برکت‌یافتن زندگی نیز جایگاهی مؤثر دارد. بدین ترتیب، دامنه آثار نماز از رابطه معنوی فرد با خداوند فراتر می‌رود و ابعاد دیگر زندگی انسان را نیز دربرمی‌گیرد.

مضمون پایه چهارم

«اقامه نماز، نخستین ثمره و نشانه حکومت صالحان»

مستند متنی:

❖ «و بنا بر آموزه‌ی قرآن، برپاداشتن نماز، اولین ثمره و نشانه‌ی حکومت صالحان است که اَلَّذِينَ اِنْ مَّكَّنَّاهُمْ فِی الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلَاةَ»

در این فراز، اقامه نماز از سطح تکلیف فردی به مقیاس حاکمیت و سامان اجتماعی ارتقا می‌یابد. استناد به آیه قرآن، برپاداشتن نماز را نخستین نشانه حکومت صالحان معرفی می‌کند. بنابراین، صلاح و شایستگی حکومت در

منطق این پیام، صرفاً با دستیابی به قدرت سنجیده نمی‌شود، بلکه در نحوه به‌کارگیری آن برای تحقق ارزش‌های دینی از جمله اقامه نماز ظهور می‌یابد.

مضمون پایه پنجم

«اقامه نماز، پشتوانه ذکر خدا، امید و اعتماد به او در جهاد و پیروزی در میدان مبارزه»

مستند متنی:

❖ «بیان این آیه دقیقاً پس از آیه‌ی وعده‌ی نصرت الهی در مورد یاران خداوند متعال و جهاد آنها در سوره‌ی مبارکه‌ی حج نشان می‌دهد، اقامه‌ی نماز به‌عنوان تکیه‌گاه مستحکم ذکر خدا و امید و اعتماد به او، نقش ویژه‌ای در جهاد و فتح و ظفر در میدان‌های مبارزه خصوصاً میدان مبارزه‌ای که امروز پیش روی ملت ایران است، دارد.»

در این فراز، با پیوند دادن آیات اقامه نماز و وعده نصرت الهی در سوره حج، نماز به‌عنوان پشتوانه معنوی مجاهدت و پیروزی تبیین می‌شود. نقش نماز در اینجا تنها به تقویت معنویت فردی محدود نیست، بلکه در تحکیم ذکر خدا، امید و اعتماد به نصرت الهی در میدان مبارزه نیز معنا پیدا می‌کند. اشاره به میدان پیش روی ملت ایران، این دلالت قرآنی را به وضعیت معاصر پیوند می‌زند و اقامه نماز را از عوامل معنوی مؤثر در پایداری و ظفر معرفی می‌کند.

جمع‌بندی مضمون سازمان‌دهنده اول

منطق این مضمون سازمان‌دهنده بر گسترش تدریجی جایگاه نماز از حیات فردی به عرصه حاکمیت و مبارزه استوار است. نماز ابتدا به‌عنوان پیوند مستقیم انسان با خداوند و سرچشمه فلاح، آرامش و توان معنوی معرفی می‌شود؛ سپس، با استناد به آموزه قرآنی، اقامه آن نشانه حکومت صالحان و پشتوانه‌ای برای جهاد و پیروزی قلمداد می‌گردد. در نتیجه، نماز در این پیام هم رکن تعالی معنوی انسان است و هم اصلی بنیادین در حیات اجتماعی و دینی جامعه؛ اصلی که پیوند میان ایمان، صلاح حکومت و پایداری در میدان مبارزه را برقرار می‌کند.

مضمون سازمان‌دهنده دوم

«اقامه نماز، مسئولیتی همگانی و ضرورتی در مسیر تکامل جامعه اسلامی و تحقق تمدن اسلامی»

در این بخش از پیام، اقامه نماز در پیوند میان توان و موقعیت جامعه، مسئولیت جمعی و افق تکامل تاریخی جامعه اسلامی صورت‌بندی می‌شود. استدلال متن از این قرار است که نماز، با وجود برخورداری از آثار فردی، به تکلیف شخصی افراد محدود نمی‌ماند؛ بلکه هنگامی که جامعه از امکان و قدرت بیشتری برای تحقق ارزش‌های دینی برخوردار است، اقامه آن به مسئولیتی عمومی و متناسب با این موقعیت تبدیل می‌شود. در سطحی فراتر، اقامه نماز هم با میدان مبارزه و جهاد پیوند می‌یابد و هم در مسیر گذار از انقلاب اسلامی به جامعه اسلامی و سپس تمدن اسلامی جای می‌گیرد. بر این مبنا، نماز نه صرفاً یکی از مظاهر دینداری جامعه، بلکه بخشی از الزامات تحقق و تکامل نظم اجتماعی مبتنی بر اسلام است.

مضامین پایه مرتبط

مضمون پایه اول

«فراتر رفتن اقامه نماز از تکلیف فردی و تبدیل آن به مسئولیتی اجتماعی»

مستند متنی:

❖ «اَمَّا فَرِيضَةُ نِجَاسٍ، تَنْهَا يَكُ تَكْلِيفُ فَرْدِي لَيْسَتْ»

این عبارت، نقطه عزیمت پیام برای طرح بُعد اجتماعی نماز است. با نفی کفایت نگاه فردی، دامنه مسئولیت اقامه نماز از رابطه شخصی انسان با خداوند فراتر می‌رود و به چگونگی حضور و جایگاه نماز در حیات جمعی جامعه گسترش می‌یابد. این صورت‌بندی، مبنای ورود پیام به بحث مسئولیت عمومی افراد و نهادها و نقش اقامه نماز در جهت‌گیری کلان جامعه اسلامی است.

مضمون پایه دوم

«فراهم‌شدن بیش از پیش شرط مکنت و قدرت ملت ایران و خطاب مستقیم فرمان الهی به آحاد ملت»

مستند متنی:

❖ «امروز که شرط مکنت و قدرت مردم عزیز ایران بیش از پیش فراهم شده است، یکایک ملت مبعوث،

مخاطب این دستور مکرر الهی برای اقامه‌ی نماز هستند که اَقِمْوُ الصَّلَاةَ»

در این فراز، میان موقعیت و توان جامعه از یک‌سو و مسئولیت آن در برابر فرمان الهی از سوی دیگر، رابطه‌ای معنادار برقرار می‌شود. فراهم‌شدن بیش از پیش شرط مکنت و قدرت، صرفاً به‌عنوان وضعیتی مطلوب توصیف نمی‌شود، بلکه زمینه‌ای برای تأکید دوباره بر تکلیف اقامه نماز است. تعبیر «ملت مبعوث» نیز در کنار خطاب

«أَقِمُوا الصَّلَاةَ»، ملت را مخاطب مسئولیتی جمعی معرفی می‌کند؛ مسئولیتی که با برخورداری از امکان بیشتر برای تحقق ارزش‌های دینی، برجستگی بیشتری می‌یابد.

مضمون پایه سوم

«ضرورت اقامه نماز در مسیر گذار از نهضت و انقلاب اسلامی به جامعه اسلامی و تمدن اسلامی»

مستند متنی:

❖ «اقامه‌ی نماز در همه‌ی مراحل تکمیلی و سطوح تکاملی‌اش در پهنه‌ی جامعه و کشوری که پرچم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم را برافراشته و به حاکمیت اسلام مفتخر شده، در زمره‌ی اهم امور است و برای فراهم شدن زمینه‌ی طیّ طریق از مرحله‌ی نهضت و انقلاب اسلامی تا مرحله‌ی جامعه‌ی اسلامی، امری ضروری است و بعد از آن است که نیل به مرحله‌ی تمدن اسلامی میسر خواهد شد.»

این فراز، اقامه نماز را در چارچوب یک سیر تکاملی برای جامعه اسلامی قرار می‌دهد. متن میان تحقق انقلاب اسلامی، شکل‌گیری جامعه اسلامی و دستیابی به تمدن اسلامی تمایز می‌گذارد و اقامه نماز را از امور ضروری برای پیمودن این مسیر معرفی می‌کند. قید «در همه‌ی مراحل تکمیلی و سطوح تکاملی‌اش» نیز نشان می‌دهد که مقصود، صرف حضور ظاهری نماز در جامعه نیست، بلکه تحقق آن در سطوح مختلف حیات اجتماعی است. بر این اساس، اقامه نماز در منطق پیام با تثبیت و تعمیق هویت اسلامی جامعه و فراهم‌شدن زمینه تکامل آن پیوند دارد.

جمع‌بندی مضمون سازمان‌دهنده دوم

منطق این مضمون سازمان‌دهنده بر پیوند میان توان جامعه، مسئولیت جمعی و افق تمدنی استوار است. پیام، با عبور از تلقی فردمحور از نماز، آحاد ملت را در موقعیت مسئولیت عمومی قرار می‌دهد و فراهم‌شدن بیش از پیش شرط مکنّت و قدرت را زمینه‌ای برای تأکید بر این مسئولیت معرفی می‌کند. در ادامه، این تکلیف اجتماعی در افقی تاریخی معنا می‌یابد؛ اقامه نماز باید در پهنه جامعه و در مراحل مختلف تکامل آن تحقق پیدا کند تا گذار از انقلاب اسلامی به جامعه اسلامی و سپس تمدن اسلامی امکان‌پذیر شود. بنابراین، در این چارچوب، اقامه نماز صرفاً نشانه دینداری اشخاص یا جامعه نیست؛ بلکه یکی از الزامات تحقق اجتماعی اسلام و پیشبرد مسیر تکاملی جامعه اسلامی به‌شمار می‌رود.

مضمون سازمان‌دهنده سوم

«ترویج و نهادینه‌سازی اقامه نماز، مسئولیت نهادهای فرهنگی و اجتماعی»

در این بخش از پیام، مسئله اصلی از تبیین جایگاه و ضرورت اقامه نماز به چگونگی تحقق اجتماعی آن و مسئولیت کنشگران و نهادهای مؤثر در این مسیر منتقل می‌شود. متن، تحقق این هدف را به دو تلاش مکمل وابسته می‌داند؛ فراگیر و همگانی‌شدن نماز در جامعه و ارتقای کیفیت اقامه آن. این صورت‌بندی نشان می‌دهد که صرف توصیه به نماز یا افزایش حضور آن در عرصه عمومی برای دستیابی به مقصود کافی نیست؛ بلکه باید زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی آن فراهم شود و کیفیت تجربه جمعی نماز نیز ارتقا یابد. در این میان، مسئولیت از خانواده و افراد اثرگذار آغاز می‌شود، نهادهای تربیتی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد و با تأکید ویژه بر نقش ائمه جماعت و جمعه، به کیفیت رابطه میان نهاد دینی و مردم پیوند می‌خورد.

مضامین پایه مرتبط

مضمون پایه اول

«مسئولیت مضاعف اشخاص مؤثر در جامعه و نهادهای فرهنگ‌ساز در اقامه نماز»

مستند متنی:

❖ «علاوه بر این، همه‌ی اشخاص مؤثر در جامعه از پدران و مادران و خانواده‌ها تا معلمان و دوستان، از اساتید و نخبگان تا چهره‌های شناخته شده و افراد مشهور و نیز تمامی نهادها و دستگاه‌های فرهنگ‌ساز از جمله مساجد، نمازهای جمعه، مدارس، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، صداوسیما، فعالان فرهنگی و اجتماعی و بسیج مردمی خصوصاً آن‌هایی که با قشر نوجوان و جوان در ارتباط هستند، مسئولیت مضاعف در این امر دارند.»

در این فراز، مسئولیت اقامه نماز به مجموعه‌ای گسترده از اشخاص و نهادهای اثرگذار در شکل‌گیری باورها و رفتارهای اجتماعی واگذار می‌شود. گستردگی این فهرست نشان می‌دهد که ترویج نماز در منطق پیام، مأموریتی محدود به نهادهای رسمی دینی نیست، بلکه به شبکه‌ای از روابط خانوادگی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی وابسته است. تأکید ویژه بر ارتباط‌گیرندگان با نوجوانان و جوانان نیز اهمیت نقش این کنشگران را در انتقال و تثبیت نماز در نسل جدید برجسته می‌سازد.

مضمون پایه دوم

«نهادینه‌سازی و فراگیرشدن نماز و تلاش عمومی برای نیکو به‌جای آوردن آن»

مستند متنی:

❖ «نهادینه شدن و فراگیر و همگانی شدن نماز و آنگاه تلاش عمومی برای نیکو به‌جای آوردن آن، دو ضلع اصلی خطّ تلاش برای وصول به این مهم است»

این فراز، راهبرد تحقق اقامه نماز را در دو بُعد متمایز اما مکمل صورت‌بندی می‌کند؛ نخست، تبدیل نماز به امری ریشه‌دار و فراگیر در زندگی اجتماعی و دوم، تلاش عمومی برای ارتقای کیفیت به‌جا آوردن آن. تقدم نهادینه‌شدن و فراگیری بر نیکو به‌جا آوردن، نشان می‌دهد که گسترش دامنه حضور نماز و بهبود کیفیت آن دو هدف جدا از یکدیگر نیستند، بلکه باید به‌صورت توأمان دنبال شوند تا اقامه نماز از حضور صوری فراتر رود و به رویه‌ای پایدار و باکیفیت در جامعه تبدیل شود.

مضمون پایه سوم

«آبادانی مساجد و ارتقای کمی و کیفی نمازهای جماعت و جمعه به‌عنوان مقدمات تحقق اقامه نماز»

مستند متنی:

❖ «آبادانی مساجد و سایر تمهیدات برای گسترش کمی و ارتقاء کیفیت صوری نمازهای جماعت و جمعه، مقدمات لازم برای دست یافتن به این مقصد مهم می‌باشند.»

در این عبارت، نهادینه‌سازی نماز به فراهم کردن زمینه‌های عینی و نهادی آن پیوند می‌خورد. آبادانی مساجد و تمهیدات مربوط به گسترش کمی و ارتقای کیفی نمازهای جماعت و جمعه، مقدماتی معرفی می‌شوند که تحقق هدف گسترده‌تر اقامه نماز به آن‌ها نیاز دارد. از این منظر، ترویج نماز تنها به دعوت و توصیه فرهنگی محدود نیست، بلکه به تقویت بسترهای اجتماعی و بهبود شرایط برگزاری عبادت جمعی نیز وابسته است.

مضمون پایه چهارم

«نقش برجسته ائمه جماعت و جمعه به‌عنوان مأمین مردم و شنوندگان پذیرای درد دل‌های ایشان»

مستند متنی:

❖ «در همه‌ی این موارد، نقش ائمه‌ی جماعات و جمعه که باید مأمین مردم و گوش شنوا و پذیرای درد دل‌های ایشان باشند، بسیار برجسته است.»

در این فراز، نقش ائمه جماعت و جمعه فراتر از اجرای مناسک و اداره نمازهای جمعی تعریف می‌شود. تعبیرهای «مؤمن مردم» و «گوش شنوا و پذیرای درد دل‌های ایشان» بر بُعد ارتباطی و اجتماعی این مسئولیت دلالت دارند؛ امام جماعت و جمعه باید بتواند اعتماد مردم را جلب کند، پذیرای مسائل و دغدغه‌های آنان باشد و رابطه‌ای مبتنی بر پذیرش و همدلی با جامعه برقرار سازد. بدین ترتیب، جایگاه این کنشگران در تحقق اقامه نماز با کیفیت رابطه آنان با مردم نیز پیوند می‌خورد.

جمع‌بندی مضمون سازمان‌دهنده سوم

منطق این مضمون سازمان‌دهنده آن است که تحقق اجتماعی نماز، به پیوند میان گسترش فرهنگی، فراهم‌سازی زمینه‌های نهادی و شکل‌گیری رابطه‌ای اعتمادآمیز میان نهادهای دینی و مردم نیاز دارد. پیام، مسئولیت ترویج نماز را در شبکه‌ای گسترده از خانواده، آموزش، نخبگان و نهادهای فرهنگی توزیع می‌کند؛ اما این گستردگی مسئولیت را جایگزین اقدام عملی نمی‌سازد. در کنار نهادینه‌شدن و فراگیری نماز، آبادانی مساجد و گسترش و ارتقای کیفیت نمازهای جماعت و جمعه نیز ضروری دانسته می‌شود. در این میان، تأکید بر مؤمن‌بودن ائمه جماعت و جمعه نشان می‌دهد که کارآمدی این تلاش‌ها فقط به امکانات و برگزاری مناسک وابسته نیست؛ بلکه نحوه مواجهه نهادهای دینی با مردم و میزان پذیرندگی و اعتمادآفرینی آنان نیز اهمیت دارد. بنابراین، الگوی مورد تأکید پیام، از یک‌سو بر فراگیری و ارتقای کیفیت نماز و از سوی دیگر بر مسئولیت‌پذیری و مردم‌پذیری کنشگران و نهادهای متولی آن استوار است.

مضمون سازمان‌دهنده چهارم

«تکریم و استمرار تلاش خادمان اقامه نماز، پاسداشت یک خط‌مشی دینی و اجتماعی»

در آغاز پیام، برگزاری اجلاس نماز در امتداد تلاش‌هایی معرفی می‌شود که از ابتدای دهه هفتاد برای توجه‌بخشی به مسئله اقامه نماز در کشور شکل گرفته است. یادکرد از حجت‌الاسلام والمسلمین استاد محسن قرائتی و تأکید بر اهتمام مستمر امام شهید به این موضوع، نشان می‌دهد که پیام، اقامه نماز را نه مسئله‌ای مقطعی و محدود به یک مناسبت، بلکه خط‌مشی‌ای مستمر و نیازمند پیگیری می‌داند. در این چارچوب، تکریم تلاش خادمان نماز و یادآوری تأکیدهای پیشین، کارکردی فراتر از قدردانی دارد؛ این یادکردها اهمیت استمرار توجه عمومی و نهادی به اقامه نماز را برجسته می‌کنند و بر ضرورت حفظ و تقویت این مسیر تأکید می‌گذارند.

مضامین پایه مرتبط

مضمون پایه اول

«برگزاری اجلاس نماز، اقدامی ضروری و بایسته در امتداد تلاش‌های شکل گرفته از ابتدای دهه هفتاد»

مستند متنی:

❖ «توجه به امر والای «اقامه‌ی نماز» و به‌صورت خاص برگزاری اجلاس نماز، از جمله اقدامات ضروری و بایسته‌ای است که از ابتدای دهه‌ی هفتاد در کشور به همت عالم مجاهد و مردمی، استاد قرآن و مبلغ زیر دست حجة الاسلام والمسلمین قرائتی دامت برکاته شکل گرفته است.»

در این فراز، اجلاس نماز در چارچوب تلاشی مستمر برای برجسته‌سازی و پیگیری مسئله اقامه نماز در کشور قرار می‌گیرد. توصیف این اقدام به‌عنوان «ضروری و بایسته» بر اهمیت آن دلالت دارد و اشاره به آغاز این مسیر از ابتدای دهه هفتاد، بُعد استمرار و سابقه آن را برجسته می‌سازد. همچنین، معرفی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی با مجموعه‌ای از صفات علمی، تبلیغی و اجتماعی، نقش او را در شکل‌گیری و پیشبرد این تلاش مورد تکریم قرار می‌دهد.

مضمون پایه دوم

«اهتمام ویژه رهبر شهید و تأکیدهای مستمر ایشان بر اهمیت خط‌مشی اقامه نماز»

مستند متنی:

❖ «اهتمام ویژه‌ی رهبر عظیم‌القدر شهید اعلی‌الله مقامه‌الشریف به این امر و توصیه‌های مهم، مستمر و مؤکد ایشان در پیام‌های مربوط به سی و دو اجلاس گذشته نیز بر اهمیت این خط‌مشی می‌افزاید.»

در این عبارت، تأکیدهای رهبر شهید به‌عنوان عاملی برای تقویت اهمیت خط‌مشی اقامه نماز مطرح می‌شود. سه وصف «مهم، مستمر و مؤکد» بر تداوم و جدیت این توجه دلالت دارند و اشاره به پیام‌های مربوط به سی و دو اجلاس گذشته، استمرار آن را در طول زمان نشان می‌دهد. بدین ترتیب، پیام با پیوندزدن تلاش‌های جاری و تأکیدهای پیشین، بر ضرورت حفظ جایگاه اقامه نماز در دستور کار دینی و اجتماعی کشور تأکید می‌کند.

جمع‌بندی مضمون سازمان‌دهنده چهارم

این مضمون سازمان‌دهنده بر استمرار یک خط‌مشی از طریق پاسداشت تلاش‌های پیشگامان و یادآوری تأکیدهای مؤثر و مداوم استوار است. اشاره به شکل‌گیری اجلاس نماز از ابتدای دهه هفتاد و تکریم نقش حجت الاسلام والمسلمین قرائتی، پیشینه و کنشگران این مسیر را به رسمیت می‌شناسد؛ در ادامه، یادکرد از اهتمام رهبر شهید و پیام‌های مکرر ایشان، بر اهمیت و استمرار این جهت‌گیری می‌افزاید. در نتیجه، آغاز پیام صرفاً مقدمه‌ای برای ورود به بحث نماز نیست، بلکه با برجسته‌کردن سابقه و تداوم این تلاش، بر ضرورت حفظ و تقویت توجه دینی و اجتماعی به اقامه نماز تأکید می‌کند.

مضمون فراگیر پیام

«اقامه نماز؛ از پیوند فردی با خداوند تا تحقق حیات اجتماعی اسلام و تمدن اسلامی»

روح حاکم بر این پیام را می‌توان در تبیین جایگاه نماز به مثابه پیوندی بنیادین میان ایمان فردی، سامان اجتماعی جامعه اسلامی و افق تمدنی آن دریافت. نماز در این منظومه معنایی، اگرچه از ارتباط نزدیک و مستقیم انسان با خداوند آغاز می‌شود و سرچشمه فلاح، رستگاری، آرامش و تقویت توان معنوی اوست، در همین سطح فردی متوقف نمی‌ماند؛ بلکه در مقیاس جامعه، به نشانه‌ای از حاکمیت صالحان، پشتوانه‌ای برای پایداری در میدان مبارزه و ضرورتی برای تحقق ارزش‌های اسلامی در عرصه عمومی تبدیل می‌شود. از این منظر، نماز در پیام حاضر صرفاً عبادتی برای تعالی معنوی فرد یا یکی از مظاهر دینداری جامعه نیست، بلکه حلقه اتصال میان ایمان و عمل، معنویت و مسئولیت اجتماعی، و حاکمیت اسلامی و به یک بیان شرط یا مقدمه تحقق تمدن اسلامی است.

بر این اساس، اقامه نماز هنگامی به جایگاه اجتماعی و تمدنی خود دست می‌یابد که از تکلیف فردی فراتر رود، در متن زندگی جمعی نهادینه شود و تحقق آن به مسئولیتی مشترک میان مردم، خانواده‌ها، کنشگران فرهنگی و نهادهای اجتماعی و دینی تبدیل گردد. تأکید پیام بر فراهم شدن بیش از پیش شرط مکتب و قدرت ملت ایران نیز در همین چارچوب معنا می‌یابد؛ برخورداری از امکان بیشتر برای تحقق ارزش‌های اسلامی، با مسئولیتی متناسب برای اقامه نماز همراه می‌شود. در نتیجه، نسبت میان قدرت و تکلیف، در اینجا نسبتی صرفاً سیاسی یا اجرایی نیست؛ بلکه به این معناست که ظرفیت‌های جامعه باید در مسیر تحقق عملی ارزش‌هایی به کار گرفته شوند که حیات اسلامی آن جامعه بر آن‌ها استوار است.

پیام در ادامه، این مسئولیت را از سطح دعوت عمومی به الزامات عینی تحقق آن پیوند می‌زند. نهادینه شدن و فراگیری نماز، تلاش برای نیکو به جا آوردن آن، آبادانی مساجد، گسترش و ارتقای کیفیت نمازهای جماعت و جمعه و نقش‌آفرینی نهادهای تربیتی و فرهنگی، اجزای مکمل این مسیرند. همچنین، تأکید بر اینکه ائمه جماعت و جمعه باید «مأمن مردم و گوش شنوا و پذیرای درد دل‌های ایشان» باشند، نشان می‌دهد که تحقق اجتماعی نماز تنها به حضور و گسترش ظاهری آن محدود نیست؛ بلکه با کیفیت ارتباط نهادهای دینی با مردم و توانایی آن‌ها در برقراری رابطه‌ای پذیرنده و اعتمادآفرین نیز پیوند دارد. بدین ترتیب، اقامه نماز در این پیام هم به زیرساخت‌های فرهنگی و نهادی نیاز دارد و هم به کنشگرانی که بتوانند این فریضه را در متن زندگی واقعی جامعه محقق سازند.

افق نهایی این منظومه نیز در تصریح پیام به ضرورت اقامه نماز برای گذار از مرحله انقلاب اسلامی به جامعه اسلامی و سپس فراهم شدن امکان نیل به تمدن اسلامی آشکار می‌شود. این بیان، نماز را درون یک مسیر تاریخی و تکاملی قرار می‌دهد؛ برخورداری از حاکمیت اسلامی، به خودی خود به معنای تحقق کامل جامعه اسلامی نیست؛

بلکه تعمیق و گسترش ارزش‌های اسلامی در پهنه زندگی جمعی، از جمله از طریق اقامه نماز، از الزامات پیمودن این مسیر به شمار می‌رود. بنابراین، تمدن اسلامی در این چارچوب، افقی است که تحقق آن به عبور از سطح تأسیس و استقرار سیاسی به سوی استقرار اجتماعی و نهادی ارزش‌های اسلام وابسته است؛ با این ملاحظه که پیام، اقامه «نماز» را به عنوان ستون دین، ضرورتی در این مسیر معرفی می‌کند، نه تنها عامل تحقق تمدن اسلامی. از این رو، اقامه نماز در منطق این پیام، نقطه اتصال میان بندگی فردی، مسئولیت جمعی و تکامل جامعه اسلامی است؛ مسیری که استمرار و تحقق شایسته آن، هم به تعهد عمومی و هم به تلاش پیوسته نهادها و خادمان نماز وابسته است.

الحمد لله رب العالمین